

دانیال حقیقی

اقیانوس نهایی

کتاب اول:

گذرگاه پرندگان



مؤسسه انتشارات نگاه

تهران، ۱۳۹۳

www.enkashanegah.com info@enkashanegah.com

Email: enquiry@enkashanegah.com

ناله و گریه و زاری

و همه را به دستهای و لبها

خمش و زاری

ز آنکه زنده بودی و زاری

ز آنکه زنده بودی

لحن شفته آرزوی

بعضی زانکه نیست

باید و کلا نیست

ز آنکه زنده بودی

ز آنکه زنده بودی

مکنده ای بر تنوری

بگشاید، بگشاید زهر می آید

بگشاید، بگشاید زهر می آید

بگشاید، بگشاید زهر می آید

بگشاید، بگشاید زهر می آید

بگشاید، بگشاید زهر می آید

غافلان

هم سازند،

تنها توفان

کودکان ناهم گون می زاید.

هم ساز

سایه سانان اند،

محتاط

در مرزهای آفتاب

در هیئت زندگان

مردگان اند.

۱۷۹

وینان دل به دریا افکنان اند،

به پای دارنده ی آتشها

زندگانی

دوشادوش مرگ

پیشاپیش مرگ

هماره زنده از آن سپس که با مرگ

و همواره بدان نام

که زیسته بودند،

که تباهی

از درگاه بلند خاطره‌شان
 شرمسار و سرافکننده می‌گذرد.
 کاشفان چشمه
 کاشفان فروتن شوکران
 جویندگان شادی
 در مجری آتشفشان‌ها
 شعبده‌بازان لبخند
 در شب کلاه درد
 با جاپایی ژرف‌تر از شادی
 در گذرگاه پرندگان.

در برابر تندر می‌ایستند
 خانه را روشن می‌کنند،
 و می‌میرند.

احمد شاملو - خطابه‌ی تدفین

گزارش: یک انتقال

- گزارش: یک انتقال..... ۹
 مقدمه‌ای بر تئوری تخیل..... ۴۵
 بیگانگان چگونه به زمین می‌آیند..... ۸۳
 ایتالیایی‌ها و چند شخصیت دیگر..... ۱۱۳
 فضا، یک خاطره‌ی نیمه‌تمام و مسئله‌ی زمان..... ۱۴۹
 سفر ارس..... ۱۷۹
 دوران تاریک پیش رو..... ۱۹۷

بروردن و رفتن برخی از افسان‌های کلاسیک و مان‌جود، پیش‌پس
 کرده بود. علاوه بر این، آکی ماکی، در سفری به مشرق‌زمین، در شهری
 که هویت آن بر شهر ری و گرده طهران می‌تایید، در حیات خاندهی
 یک پزشک ایرانی، به پدر گویی افتاده و گفته بود که ایران و فلانند،
 گرد طهران و جایی در جنوب فلانند، در نتیجه‌ی حملات دشمنان
 مشرق‌گوشان، از سری قزاق‌ها و دیگر اقوام نزدیک به ایشان، از
 محدودین انحصار دور خواهند شد، این ماجرا از زمانی که کل دنیا در
 آتش یک جنگ عالم گیر در حال سوختن است، شروع می‌شود و
 قرب صدسال طول می‌کشد تا باور شود.

گزارش: یک انتقال

سوم شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متفقین در حالی وارد خاک ایران می‌شدند که بخش دیگری از ارتش اتحاد جماهیر شوروی، به‌طور هم‌زمان در خاک فنلاند در حال پیاده کردن نیرو، یورش و تجاوز به خاک آن کشور بود.

این اتفاق را سال‌ها پیش آکی ماکی، شمن بزرگ و ستاره‌شناس فنلاندی که از اولین وایکینگ‌ها و ماجراجویان آن منطقه نیز به‌شمار می‌رود، از روی برخی از اطلس‌های گیتاشناسی زمان خود، پیش‌بینی کرده بود. علاوه بر این، آکی ماکی، در سفری به مشرق‌زمین، در شیبی که مهتاب آبی بر شهر ری و گود طهران می‌تابید، در حیات‌خانه‌ی یک پزشک ایرانی، به پیش‌گویی افتاده و گفته بود که ایران و فنلاند، گود طهران و جایی در جنوب فنلاند، در نتیجه‌ی حملات دشمنان مشترک‌شان، از سوی قزاق‌ها و دیگر اقوام نزدیک به ایشان، از متحدین اعصار دور خواهند شد؛ این ماجرا از زمانی که کل دنیا در آتش یک جنگ عالم‌گیر در حال سوختن است شروع می‌شود و قریب صد سال طول می‌کشد تا بارور شود.

.....	۶
.....	۵۹
.....	۶۸
.....	۶۱۱
.....	۶۲۱
.....	۶۷۱
.....	۷۲۱

سال‌ها بعد، زمانی که تأسیس سلسله‌ی قاجاریه با پا گرفتن دولت خودمختار فنلاند و اتمام سلطه‌ی سوئدی‌ها بر این کشور هم‌زمان شد، گمانه‌زنی‌های برخی پیش‌گویان سلتی، که امکان وقوع این پیش‌گویی را تخمین می‌زدند، بیشتر شد. هم‌زمان با این پیش‌گویی‌ها، ستاره‌شناسان عرب روابطی را میان این دو رخداد بزرگ کشف کرده بودند. این هم‌ارزی‌ها بر یک اطلس کمتر دیده‌شده‌ی گیتاشناسی عربی ترسیم شده است: یک موش یک چشم با پوستی چروک و هزارلا دنبال یک سگ قطبی می‌دود، درحالی که کلب اکبر بر آسمان نقش بسته است.

به احتمال، همین هم‌ارزی‌های کیهانی زمینه را مهیا کردند و موجب شدند هر دو کشور، ایران و فنلاند به سال ۱۲۹۶ شمسی یا ۱۹۱۷ میلادی، با فروپاشی امپراتوری روسیه و وقوع انقلاب کمونیستی، از زیر یوغ روس‌ها خارج شوند و روسیه نیروهای خود را از حریم شهرهای شمالی کشور ایران و شهرهای شرقی کشور فنلاند خارج کند. نطفه‌ی ابتدایی تحقق این پیش‌گویی اما، در نهایت به سال ۱۳۰۴ شمسی بسته شد که یک هیئت فنلاندی برای امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری اقتصادی و سیاسی به تهران سفر کرد. اما احتمالاً، نزدیک به ۱۶ سال بعد بود که پیش‌گویی شمن بزرگ، آکی‌ماکی، به شکلی ملموس به حقیقت پیوست: زمانی که با بالا گرفتن شعله‌های جنگ دوم جهانی، ارتش شوروی در سوم شهریور ۱۳۲۰ بار دیگر در تدارک حمله‌ای هم‌زمان به خاک ایران و فنلاند بود، عده‌ای از روشنفکران و دولتمردان فنلاندی جلسه‌ای محرمانه تشکیل دادند و به این نتیجه رسیدند که ایده‌ای را که لنین در زمان وقوع انقلاب کمونیستی به عنوان غرامت سال‌های سلطه‌ی تزاری برای شان فرستاده بود بارور

کنند و آن را منتشر کنند. اما با توجه به ویژگی‌های ذاتی ایده، که بسیار آناارشی‌محور و کثرت‌گرا بود، این کار در خاک فنلاند ممکن نبود و باید آن را برای باروری به تهران می‌رساندند و پس از آن، برای انتشار رسمی، مجدد، آن را به هلسینکی بازمی‌گرداندند.

این دستورالعمل پوست‌نوشت را که به خط عربی بود، سال‌ها پیش، عده‌ای از سینه‌چاکان ایرانی لنین از ایران به روسیه برده بودند و از آن جا همراه با یک حباب که محتوی ایده بود به هلسینکی فرستاده شده بود. در راستای انتشار و اجرای چنین برنامه‌ای، در پنجم شهریور ۱۳۲۱، در اقدامی جدی و رسمی، نیکو، شمن دورگه‌ای با رنگ‌وریشه‌ای که از یک سو به وایکینگ‌ها می‌رسید و از سمت مادری به اقوام سلتی، مأمور شد تا این ایده‌ی آناارشی‌محور را از فنلاند خارج کند و از طریق پاریس به تهران برساند.

قرار و گمان بر این بود تا با انتشار این ایده، مردم شهرنشین دو کشور با یک‌دیگر به اتحاد میان‌اجتماعی برسند و از آن پس در مقابل تمام تجاوزات خارجی در کنار یک‌دیگر باشند؛ انتشار ایده باعث می‌شد دینامیک‌های میان‌اجتماعی بین تهران و هلسینکی یک جامعه‌ی نوین و متحد شهرنشین پدید آورد.

این کار از طریق یک تونل ذهنی فرافضا زمانی ممکن می‌شد که اذهان عمومی تهران و هلسینکی را به یک‌دیگر متصل می‌کرد. مبنای علمی ایده بر دانش جغرافیای انسانی و ضد روش آناارشیسم استوار بود با ریشه‌هایی مارکسیستی، که بنا به تغییرات ناشی از آب‌وهوای هلسینکی، حالا حالتی آناارشیستی و هم‌خوان با اقلیم فنلاند نیز پیدا کرده بود.

ایده، در اصل، یک مایع غلیظ با خاصیت بازی بود به رنگ صورتی و گاه اخراپی، که آن را در یک گوی شیشه‌ای نگه‌داری